

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نهم مرداد ماه سه سال تمام از انعقاد قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم میگذرد. سه سال پیش، هنگامیکه شرایط کاملاً مساعدی برای احیاء کامل قانون ملی شدن نفت ایران بوجود آمده بود، شاه با الهام از خواستههای کارکنان بین المللی به انعقاد قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم، که بمعنی ابقاء همان قرار داد امتیازی اولیه کنسرسیوم بود، اقدام نمود. قرارداد اولیه کنسرسیوم پس از کودتای سیا

## قرارداد فروش نفت بکنسرسیوم باید لغو گردد

زاهدی در هفتم آبان ۱۳۳۳ بکشور ما تحمیل گردید. آن قرار داد تحمیلی چهاربار یکبار یکمک قرار داد های الحاقی به اصطلاح تصحیح و تقویت شد. با این وجود قرارداد کنسرسیوم، که از همان ابتدا با مخالفت وسیع مردم ایران مواجه گشت، هیچگاه اعتبار پیدا نکرد. مبارزه مردم علیه تجدید تسلط امپریالیسم بر نفت ایران از همان روز پس از کودتای ۲۸ مرداد آغاز گردید. این مبارزه بویژه در پایان دهه گذشته و اوائل دهه جاری همزمان با توسعه مبارزات ضد امپریالیستی و پیروزیهای پی در پی در کار ملی کردن صنایع نفت در کشورهای در حال رشد توان بالقوه بیشتری یافت. در چنین شرایطی با اعتماد کامل به پیروزی، طرد قرار داد کنسرسیوم و احیاء قانون ملی شدن نفت امکان پذیر بود. اما محمد رضا شاه عملاً همان صحنه سازی لغو قرار داد دادرسی و انعقاد قرار داد ننگین ۱۹۳۳ را تکرار نمود، او بخواست مردم ایران پاسخ مثبت نداد

## تیکیل جبهه ضد دیکتاتوری

### لیفه همه نیروهای ضد استبداد است

غارتگر تعیین میکند و هستی و عرض و ناموس افراد آن بازیچه دست سازمانی از بی وجدان ترین شریک ترین و بی احساس ترین دزد های انسان نما بنام ساواک است، هیچکس بر جان و مال و حیثیت انسانی خود ایمن نیست خواه کارگر، دهقان و پیشه ور باشد و خواه روشنفکر و روحانی واقعی، خواه توده ای باشد و خواه چریک فدائی خلق. دیکتاتور هر صدائی را که بویی از مخالفت با گفتار و کردارهای ضد ملی و ضد دموکراتیک او دهد با ضرب گلوله خفه میکند، و هر کسی را که دهان به کوچکترین اعتراض بگشاید، در بیغوله زندانها و کمیته های ساواک با زجر و شکنجه از پای در می آورد، و یا شرف و شخصیت انسانی او را با تحمیل گفتارهای رادیویی و تلویزیونی ساخت ساواک، از آنها سلب مینماید. در چنین وضعی برای هر نیرویی ویا فردی که خواهان تحول اوضاع طبق طرز تفکر و تمایلات سیاسی و اجتماعی ویا شخصی خود باشد اولین وظیفه کوشش برای درهم شکستن این رژیم خود سری و سازمان شیطانی آن ساواک و مقدم ترین هدف نابود کردن این بختک هولناکی است که بر سینه مردم ایران افتاده و آنها را زیر فشار خود خورد و خمیر میکند. در انجام چنین وظیفه ایست که کمیته مرکزی حزب توده ایران بروشنی پاسخ پرسشهایی را که در بالا طرح کردیم در دعوت عام خود پس از بیان این مطلب که تنها شرط شرکت نیرو های ضد رژیم در یک جبهه ضد دیکتاتوری آمادگی برای مبارزه فعال در راه برانداختن رژیم استبدادی است، بدین نحو داده است: دما در عین حال برآیند پذیرش این شرط و پیروی از آن به آن معنی نیست که شرکت کنندگان در این چنین جبهه وسیع ضد دیکتاتوری یک گره از مواضع اصولی و هدف گیری های سیاسی دراز مدت و کوتاه مدت خویش را مجبور باشند از دست بدهند و یا در ارزیابیهای اجتماعی خود تجدید نظر نمایند و یا اینکه بخواهند هدفهای سیاسی و یا شیوه های مبارزه خود را بشرکت کنندگان تحمیل نمایند.

## یک رویداد بزرگ تاریخی

(کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا)  
(در برلین پایتخت آلمان دموکراتیک)

کفرانس ۲۹ حزب کمونیست و کارگری اروپا طی روز های بیست و نهم و سی ام ژوئیه سال ۱۹۷۶ در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان تشکیل شد. این کنفرانس یک گرد هم آبی معتبر احزاب برادر اروپا و رویدادی تاریخی در جریان تکامل جنبش بین المللی کمونیستی بود. این کنفرانس با موفقیت کامل پایان یافت و سند نهائی خود را با تفاق آراء به تصویب رساند که متکی بر اصول مارکسیسم لنینیسم است و حفظ صلح و امنیت و همکاری و پیشرفت اجتماعی در اروپا سواد عمده آنرا تشکیل میدهد. بخشهای چهارگانه این سند تاریخی شرح زیر است: ۱- در راه تعیین روندتشیج جهانی از طریق انجام تدابیر مؤثر در امر خلق سلاح و تسلیحات امنیت اروپا؛ ۲- ریشه کش ساختن فاشیسم و پاسداری از دموکراسی و استقلال ملی؛ ۳- برای گسترش همکاری بصره مقابل و در راه تفاهم بیشتر میان خلقها؛ ۴- برای صلح، امنیت، همکاری، استقلال ملی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان.

## گرانی هزینه زندگی

بیش از همه بر دوش کارگران سنگینی میکند

سخن میگویند. در میان دستمزد های رسمی اعلام شده از طرف شورای عالی بیمه های اجتماعی، کارگران چلو کبابها، کافه رستورانها، آرایشگاهها، خیاطخانهها، نانواها، خماما، کوره پز خانه ها و بسیاری دیگر از رشته ها دستمزد روزانه ای بین ۱۱۰ تا ۲۰۰ ریال و در مواردی حتی کمتر از این دارند. اگر هر خانواده کارگری را پنج نفر بصباب آوریم، روشن است که با درآمد ماهانه ۳۰۰ تا ۶۰۰ تومان در شرایطی که حتی بهای بنای و سبب زمینی کیلویی ۵۰ ریال است، یک خانواده کارگری در چه عسرت جانگاہی بسر میرود. توصیف این زندگی محنت بار را از زبان خود کارگران بشنویم: مصطفی شهزری به یکی از روزنامه های تهران مینویسد: «کارگری که در یک کارخانه با حقوق بسیار کمی، مثلاً ماهی ۳۶۰۰ ریال مشغول کار میباشد، چگونگی مینواند گوشت کیلویی دنباله در صفحه ۲

سور تعمیرود که اصل لزوم وحدت عمل و بین نیروهای دارای هدف مشترک برای رسیدن باحد مورد تردید قرار گیرد. این اصلی است نفت در ریف بدیهیات است و نیازی به اثبات ال این سؤال پیش میآید که اگر این اصل ات پس چه مانعی در راه رسیدن بوحثت عمل گمی یا به تعبیر دیگر در راه ایجاد جبهه ای زوهای مخالف رژیم وجود دارد؟ آیا اختلافات کبی بین نیرو های ضد استبداد باید سد راه رای برداشتن سد استبداد از پیش پای همه د؟ آیا اختلاف موجود در شیوه های مبارزه جدائی نیروها و دادن امکان به دشمن مشترک کوب جدا گانه هر یک از آنها گردد؟ بریها باید منابع از ارتباط و تماس و گفتگوی خلاق و رسیدن به هدف مشترک یعنی واژگون کردن ندای محمد رضا شاه شود؟ آیا سرنگونی مقدم همه نیرو های مخالف آن نیست؟ و ویژه ای از نیروهای ضد رژیم بتنهائی قادر کردن آن و رسیدن به هدفهای استراتژیک ن؟ آیا موقعیت طبقاتی گروهها و قشرهای یم اختناق و ترور هستند باید مانع از همکاری عمل آنها شود؟ پاسخ این پرسشها اگر نیرو ها صادقانه مخالف رژیم و خواهان آن هستند چنین است: ابتدا، زیرا شعار جبهه انوری که در دعوت حزب ما پیشنهاد شده با بر انداختن رژیم است که چنگال درنده ما این نیروها صرف نظر از ایدئولوژی، موقعیت شیوه ای که در مبارزه بکار میرود، احساس در جامعه ای که سر نوشت آنرا دو خمیسی پدید بر اساس تمایلات پست و فرمایه خود و بود و هستی آرماندان داخلی و امپریالیستهای

گرانی هزینه زندگی

۲۰۰ تا ۲۵۰ ریال بفرود و با همان در آمد ماهانه حد اقل ۲۰۰۰ ریال بابت اجاره خانه بپردازد. حال گوشت را مثال زدم ، سایر مایحتاج زندگی نیز بهمین نسبت قیمتشان بالا رفته است ، خبر نگار روزنامه کیهان اخیراً یک بررسی آماری در تهران در مورد مفهوم رفاه ، انجام داد ( کیهان ۱۹ خرداد ۱۳۵۵ ) . باید یاد آور شد که گرانی مسکن یکی از مسائلی است که کارگران عموماً با آن رو برو هستند و بهمین جهت کارگران در پاسخ خبر نگار ، مسئله کمی درآمد و گرانی اجاره خانه را مطرح کرده اند . نمونه هایی میآوریم : در پاسخ خبر نگار کیهان ، زن خانه داری میگوید : شوهرم کارگر اسفالت کار است ، دو اطاق کوچک را ۵۰۰ تومان اجاره کرده ایم . با زحمت میتوانیم دخل و خرج را یکی کنیم . بهرام بستاری گارچی خیابان سی متری میگوید : روزی ۴۰ تومان در آمد دارم ، روزی ۲۰ تومان اسبم کاه و یونجه و خرت و پرت میخورم . میماند روزی ۲۰ تومان . با این در آمد یک اطاق اجاره کرده ام که ماهی ۲۵۰ تومان اجاره میدهم آنهم با سر عائله ۶ ، سر عائله و ۳۵۰ تومان در آمد ماهانه برای خوراک و پوشاک وسایل مایحتاج زندگی ! یک کارگر نقاش ۶۵ ساله ساکن خیابان شیخ هادی گفته است : ۴۰ سال است در این ایست خیابان یک اطاق اجاره میکنم . اول ماهی ۱۵ تومان اجاره میدادم ، اما حال ۵ هزار تومان وجه نقد میخواهند با ۵۰۰ تومان اجاره ، واقعتاً آنست که هزینه زندگی و کرایه مسکن چنان سنگین است که امروزه کارگران معدودی که حتی بیش از ۱۲۰۰ تومان هم دستمزد ماهانه دارند ، در صورت بسر میبرند ، تا چه رسد به درآمد های کمتر از ۵۰۰ - ۶۰۰ تومان . باید یاد آوری کرد که در همه این موارد دستمزد زنان کارگر کمتر از مردان است و باینجهت درجه استثمارشان ، شدید تر و زندگی شان دشوار تر است . در چنین شرایطی بجای آنکه رژیم شاه به خواست عمومی کارگران در مورد اضافه دستمزد ، بنحوی که با افزایش هزینه زندگی هماهنگی داشته باشد توجه کند ، بر تشدید استثمار کارگران و افزایش بهره دمی کارگران تأکید میکند . رژیم شاه که کارگران زحمتکش میبند ما را در بدترین شرایط کار و زندگی استثمار میکند ، برای کارگرانی که از خارج وارد میکنند ، شرایطی فراهم آورده که بهیچوجه قابل قیاس با زندگی کارگران ایران نیست . روزنامه آیندگان می نویسد : ۲۵۰۰ کارگر پاکستانی برای طرح هفت تپه اهواز بر اساس یک قرار داد دو ماهه و نیمه به اهواز منتقل شده اند ، کارگران پاکستانی بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال مزد میگیرند ، کار آنها درو نیشکر است . گفته میشود انتقال این گروه به لحاظ هزینه رفت و آمد ، تدارک محل اقامت ، تهیه ظروف غذا خوری ، پتو ، پنکه و غیره مخارج سنگینی برداشته است . باید از دولت پرسید آیا برای درو نیشکر هم لازم است کارگر از خارج وارد کنیم و اگر بفرش محال جواب مثبت باشد چه فرقی است میان کارگر خوبی با کارگر وارداتی ؟ چرا کارگر خودی باید با فروش نیروی کار حتی از تأمین نان خانواده خود هم عاجز بماند و برای کارگر وارداتی وسایل رفاه فراهم باشد ؟ رژیم شاه به خواست عادلانه کارگران برای اضافه دستمزد با سرکوب و وحشیانه اعتراضهای کارگری پاسخ میدهد و وقتی بخواست آنها ناگزیر بترسند ، تازه زندگی اضافه دستمزد بهیچوجه متناسب با ترقی هزینه زندگی نیست . اما رژیمی که در مورد زحمتکشان همین ما تا این حد ستمگر است ، وقتی پای خرید توپ و تانک و هواپیما از انحصارات اسلحه در میان است ، میلیارد میلیارد دلار میریزد ، وقتی پای ریختن پاشا و لخرچینها ، دزدیها و رشوه ستانیهای درباریان و کارگردانشان در میان است ، ارقام و اعداد دیگر در قتل نمی گنجد . شکاف میان فقر و ثروت و فاصله طبقاتی بویژه در سالهای اخیر چنان شدت یافته که دختر یک میلیونر بقلید از درباریان برای گریه خاندانش سه کارشناس تغذیه استخدام میکند و اطاق خواب هفتاد هزار تومانی تهیه می بیند ( اطلاعات - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۵ ) . اما میلیونها کودک خانواده های کارگری درحسرت یک وعده غذای کامل ، دوا و پوشاک و مسکن مناسب بسر میبرند . اعتراضهای بی در پی کارگران نشان میدهد که طبقه کارگر ایران علیرغم فشار و ترور و علیرغم سیاست

یک رویداد بزرگ تاریخی

و تاکتیک و استراتژی خود را با توجه به وضع مشخص کشور خویش تعیین مینمایند . با اینهمه تمام این احزاب یک مبارزه مشترک را از پیش میبرند و هدف نهایی مشترکی آنها را متحد ساخته و در یک سمت تاریخی واحد گام برمی دارند . سخنرانی رفیق برزف صدر هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی که مورد توجه خاص شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت و انگاس بین المللی بزرگی یافت ، از اهمیت اصولی ویژه ای برخوردار است . او در سخنرانی خود تجزیه و تحلیل عمیقاً مارکسیستی - لنینیستی از اوضاع کنونی جهان و چشم انداز پیشرفت جهانی و امکانات تازه جنبش کمونیستی در مبارزه برای منافع خلفها و آرمان سوسیالیسم و کمونیسم بدست داد . رفیق برزف گفت : حزب ما با وفاداری به اندیشه های بزرگ لنین و نالیسم پرولتری هیچگاه سرنوشت کشور شوروی را از سرنوشت دیگر کشور های اروپایی و جهان جدا ندانسته است . خواه سیاست خارجی اتحاد شوروی که در جهان برای استواری امر صلح و آزادی خلفها است ، خواه سیاست داخلی ما که همدن ساختن کمونیسم است ، نه فقط پاسخگوی منافع بنیادی مردم شوروی است بلکه در عین حال سهی است که ما در مبارزه مشترک کمونیستی های سراسر جهان بخاطر آینده انسانها ادا میکنیم . کنفرانس به نظر جهان بخاطر دوستانه برگزار گردید . احترام به نظریات هر یک از شرکت کنندگان ، محیط بحث و مذاکره دموکراتیک و حقیقتاً رفیقانه ، تبادل نظر و طرح تجارب غنی احزاب مختلف امکان داد که به ارزیابی ها و نتیجه گیریهای مشترک در یک سلسله از مسائل مهم توفیق حاصل آید .

گرد هم آئی کمونیستهای اروپا ارتباط جدائی ناپذیر میان مبارزه در راه صلح ، تنش زدائی ، امنیت ، تحقق اصول همنوعی ، سلامت آمیز و مبارزه در راه منافع بنیادی اقتصادی و سیاسی زحمتکشان و در راه ترقی اجتماعی و سوسیالیسم را تأکید کرد . شرکت کنندگان در کنفرانس نقش اتحاد شوروی را بمنزله تکیه گاه عمده در مبارزه خلفها علیه امپریالیسم و تجاوز و بخاطر صلح و پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم یادآور شدند . آنان مردم جهان را بامبارزه در راه رعایت جدی و تحقق کامل اصول و قرائهاتی که در دست نهائی کنفرانس سران کشورهای اروپا آمده فرا خواندند . آنها خواستند که بمسابقه تسلیحاتی پایان داده شود و روند کاستن از سلاحها و نیرو های مسلح آغاز گردد و تشنج زدائی در رشته نظامی مرحله عمل فرآید . بدین مناسبت کمونیست ها اهمیت قاطع تدابیر و اقدامات جمعی طبقه کارگر ، زحمتکشان و تمام خلفهای قاره را در پشتیبانی از اصول و تدابیری که در این جهت و بدین منظور تحقق میپذیرد یاد آور میشوند . واقعتاً تشکیل این کنفرانس و سندی که بصورتب این رسید بیانگر علاقه و کوشش احزاب کمونیست و کارگری ، بانوجه به اختلاف شرایط مبارزه شان ، بدین نکته است که با سازندگی بیشتر و با نزدیکی و یکپارچگی بیشتر همکاری کنند . کنفرانس پرچم همستگی کمونیستهای اروپا را افراشته تر ساخت و آمادگی احزاب برادر را برای اینکه هر یک با وسایل و شیوه های خویش سهم خود را در امر رسیدن به هدفهایی که مشترکاً تعیین گردیده ادا نمایند ، بظهور رسانید .

انترناسیونالیسم پرولتری عیارست از همستگی طبقه کارگر و کمونیستهای تمام کشورها در مبارزه در راه هدفهای مشترک ، همستگی آنها با مبارزه در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی ، همکاری داوطلبانه احزاب برادر در عین مراعات برابری حقوق و استقلال هر یک از آنها .

کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا کاری عظیم و نامربوط را به پایان رساند . حاصل این کار پاسخگوی منافع بنیادی خلفها و نشانده حسن مسئولیت عمیقی است که کمونیست ها در جریان رهبری مبارزه خلفها در راه صلح و ترقی احساس میکنند . ما در یکی از شماره های نزدیک مجله « دنیا » با تحصیل بیشتری در باره این رویداد تاریخی سخن خواهیم گفت .

قرارداد فروش نفت

به مردم ایران و نیروهای مترقی و ملی است آنات از همان ابتدا خیانت جدیدت را افشاء ساختند ، از قرار داد فروش نفت به کمسرسیوم بدرستی نمیتوان نسخه بدلی قرار داد ۱۳۳۲ و نمونه تازه ای از قرار دادهای امتیازی نو استعماری نفت ارزایی بهمی آمده است . کارتل بین المللی نفت با تحمیل قرار داد فروش نفت به ایران نیل به دو هدف عمده را تعقیب میکرد : هدف اول این بود که قبل از آنکه موضوع تمدید مطرح شود و این امر موجب لغو و فسخ قرار داد گردد ( مدت اولیه امتیاز کمسرسیوم ۲۵ سال تعیین شده بود که در سال ۱۳۵۸ پایان می پذیرفت ) ، و مذاکرات تمدید میبایستی درسال آتی آغاز میشد ، به تعدیدان نائل آید . دوم اینکه با تحمیل قرار داد فروش نفت به ایران - کشور عمده نفت خیز حوزه خلیج فارس از بسط مبارزات ملی شدن در این منطقه جلوگیری کند و بویژه به ملی کردن نفت در جمهوری عراق ضربه مؤثر وارد سازد . دولت ایران و شخص شاه دانسته در تحقق این هدفها دستیار امپریالیسم و کارتل بین المللی نفت بوده اند .

لیکن چنانکه میدانیم کارتل بین المللی نفت نه فقط به هدف دوم خود نائل نگردید ، بلکه پس از تحمیل قرار داد فروش نفت به کشور ما نیز با مبارزات وسیعتری ملی شدن نفت در سراسر کشور های نفت خیز در حال رشد ، از آنجمله در حوزه خلیج فارس مواجه گردید . بویژه دولت جمهوری عراق با تکیه بیکم فنی و اقتصادی و حمایت حداکثرانه کشور های سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی به پیروزی کامل ملی کردن ذخایر و صنایع نفت خود نائل آمد . این کار مهم که در خرداد ۱۳۵۱ با فرمان لغو امتیاز ، عراق پیروزی کمپانی ، آغاز گردید ، در آذر ۱۳۵۴ با طرد آخرین آثار امتیازات نفتی از عراق با موفقیت کامل با اجرا درآمد . امروز نفت در جمهوری عراق به معنی واقعی کلمه ملی است . اختیار عملییت نفت در همه مراحل آن در دست دولت و شرکت ملی نفت عراق متمرکز است . جمهوری عراق حاکم بر ذخایر و صنایع نفت کشور است . حال آنکه در کشور ما ایران طبق قرار داد فروش نفت به کمسرسیوم ، نه فقط قریب سی میلیارد بشکه از ذخایر نفت پیش فروش شده ، بلکه دوسوم حوزه امتیازی قبلی ب مدت ۲۰ سال دیگر ، به همراه فعالیت های عمده و اساسی در صنعت نفت ، در اختیار کمسرسیوم باقی است . حتی در آمد نفت ایران تا همین امروز طبق اصول و ضوابط قرار داد های امتیازی پنجده - بیچاره در پرداخت میشود . لیکن تنها از نظر شرایط امتیاز قرار داد فروش نفت به کمسرسیوم نیست که ، تا روزیکه این قرارداد لغو نشده نمیتوان از ملی شدن واقعی صنعت نفت ایران سخن گفت . وجود قرار داد فروش نفت بیانگر ادامه تسلط کارتل و دول امپریالیستی حامی آن بر کشور ماست و این خود بمنزله محرومیت ایران از استقلال واقعی است . تظاهر این محرومیت باشکال گوناگون مشاهده میشود . از یکطرف همه ساله مقادیر عظیمی از ذخایر نفت ایران بفرات میرود ، از سوی دیگر از آمد های حاصل از نفت نیز با تحمیل سیاستهای ضد ملی نظامیگری و تسلیحاتی و هزینه های زائد رژیم خود ، کماه از دست کشور ما خارج میشود . در جمهوری عراق که به ملی کردن واقعی نفت نائل آمده ، ۷۰ درصد درآمد نفت منحصراً به هزینه های رشد اقتصادی اختصاص داده شده و هزینه های عمرانی ، بهداشتی و آموزشی از محل نیمی دیگر از آن در آمد نفت پرداخت میشود . در کشور ما ایران طبق ارقام بودجه دولت ، پنجده درصد در آمد نفت منحصراً صرف هزینه های نظامی و خرید اسلحه میشود و نیم دیگر در آمد نفت برای مقاصد که بطور عمده بسود دول امپریالیستی رژیم استبدادی شاه است مورد استفاده قرار میگیرد . ادامه تسلط کمسرسیوم با وارد آمدن زیانهای

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری

که بوجود آمد این رژیم را سرنگون کنند همکاری نیروهای ضد رژیم فرانکونی بدون قرا این رژیم را در اسپانیا مبارزاند و دورانی س چشم میخورد . مردم ایران از فقر و جفا ، پیشرو و نیرو هائیکه در مرحله معنی ، بهر که بوده ، مخالف استبداد و حکومت خورده اند ، زیانهای بسیار دیده اند . توده در هشوار ترین شرایطی که شاه و ارتجاع را آوردن قوام بر سر کار بیوظفه کودتائی روز سی ام تیر ۱۳۳۱ با تپام همگانی خود که خواهان همکاری و وحدت عمل همه ت دیکتاتوری و ضد امپریالیستی هستند . توده های مردم که مزه پیروزی را بوسیله چشیده بودند یکدیگر را در آغوش کشید شادی میریختند ، توده ای و مصدقی برای آ روز یکی بود و این نفاق اندازانی چون در بودند که نگذاشتند این جبهه ای که در پا مردم بوجود آمده بود نصیب بگیرد و تحکیم همان روز با نداشتن سنگ نفاق و اختلاف در منظور ما از ذکر این واقعه بحث در تاریخ بلکه منظور ما نشان دادن طرز تفکر توده معقول و سالم آنها از موقعیت حساس آرزو توده مردم که بدون شرکت و پشتیبانی آنها بر استبداد محمد رضا شاهی ممکن نیست فوق سلیم خود اهمیت تجمع و وحدت عمل درک میکنند . اگر جبهه ضد دیکتاتوری ته به آگاهی و تجهیز آنها بپردازد بدون تأیید و تأکید نمیتواند تشکیل چنین جبهه باشد . هدف استبدادی محمد رضا شاهی نیرو و امکان کشاندن نیروهای ذخیره جنبش یعنی مردم را بمیدان نبرد فراهم می آورد . در جدائی نیروها و مقابله تک آنک آنها با رژیم و جو و ستم ساواکیش که همراه با ناکامیها و وکالتات فراوان است ، نتوانسته است این اسامه نیرو را بجزکت در آورد .

جبهه با مشکلاتیکه در راه تشکیل چنین وجود دارد آگاه است و نیز بخوبی میداند که او در این راه نه تنها با پیش داوریها ، تورم اختلافات ناشی از نظر تفکرهای گوناگون رود بلکه به تکیسی واقف است که رژیم قاشمیست رضا شاهی تا آنجا که قدرت دارد بوسیله جاسوسان خود برای جلوگیری از تشکیل چنین ذره ای فرو گذار نخواهد کرد . اما حزب ما تمام این مشکلات بر اساس تحلیل دقیق از مینحانات ایران و جهان و شرایط مساعا رفته رفته فراهم میشود ، با ایمان و اعتقاد راسخ راه پیشنهادی خود ، یقین دارد که میتوان بر دشواریها قاطع آمد و بچنین جبهه ای تحقق به ما از هیچ کوششی در این راه فرو گذار نخواهید .

بیشمار و غیر قابل جبران به منافع و مصالح ملی ما همراه است . تأخیر در قرار داد فروش کمسرسیوم ، به قیمت از دست رفتن ذخایر گرا و پر ارزش نفت و ادامه نقض استقلال و حق ملی تمام میشود . آنهم بویژه در زمانی که اعضا حاکمیت ملی در نفت ، چه از لحاظ منافع حال مصالح آینده کشور ما ، اهمیت فوق العاده دارد . حزب توده ایران و همه نیروهای مترقی امروز به اهمیت نفت و نقش آن در اقتصاد و ملی و جهانی وقوف کامل دارند . آنها میدانند ، تأمین سعادت مردم ایران و خدمت بصلح جهانی ، نیل به ملی کردن واقعی ذخایر و صنایع نفت بویژه آنکه دیگر هیچ دلیل و برهانی برای خود از تحقق این امر وجود ندارد .

رژیم خود کماه و استبدادی شاه با تمه گوناگون هر بربر کارتل بین المللی نفت و دول امپریالیستی حامی آن خواهان ملی کردن واقعی نفت ایران است . تجربه ملی شدن نفت در یکریع قرن قبل در کشور نیز حاکی از آنست که این مهم تحقق ملی کرد ، نفت را باید خود مردم و نیرو های مترقی و ملی بدست بگیرند .

حزب توده ایران شمار ملی کردن واقعی ص نفت را شعاری تحقق پذیر اعلام نموده ، حزب ما بدین از همه نیرو های مترقی و ملی و کلیه میهن پر دهرت میکند . با تشدید مبارزه و اتحاد عمل خوار مردم ایران را از توره به فعل در آورند .

Werte Genossen - 171107  
Wir bedanken uns für Eure Spende von 5000 DM und 5000 M

تطمیع و فریبکاری رژیم ، هر روز بجهو مؤثر تری در صحنه مبارزه علیه استثمار و ارتجاع نقش کاشفانگ خود را ایفا میکند و این مبارزه را تا پیروزی کامل خواستهای اقتصادی و سیاسی خود ادامه خواهد داد .